

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

آزاد ل.

۱۰ اکتوبر ۲۰۱۱

## از تجاوز ده سال گذشته

### بلکه؟!!

هموطن نازنین!

می گویند دهسال از تهاجم، از ظلم، از ستم و از ددمنشی نیرو های استعمار بر ما گذشت. این فقط یکی از انواع تجاوز های روا داشته بر ما بوده است اما به باور من، نه ده سال بلکه صد ها سال و هزاران سال است که من و تو مظلوم و پامال خواسته های شوم نیرو های استعماری و دست نشانندگان شان هستیم.

چون فقط این ده سال را نه بلکه اضافه تر از سی سال را که شاهد فجایع، انسان کشی ها، نا مردمی ها و حملات بیرحمانه نیرو های استعماری و غلامان حلقه به گوش شان به انواع مختلف و نام های گوناگون بوده ایم، در ذهن ما تجلی می کند؛ اما تا جایی که من می دانم من و تو از ۱۴۰۰ سال به این طرف لگد مال ضربه های کشنده نیرو های ستمگر جهانی و نوکران داخلی آن ها بوده ایم. هر کی به هر نامی حمله نموده، چپاول کرده و هر چه داشتیم از ما دزدیده اند. حتی شعور و فرهنگ اصیل ما را به یغما برده اند و گالبد های بی احساس از بدن های ما ساخته که بیچارگی و مظلومی ما را ارمان داشته است؟؟

به یاد آور هموطن! جنایات سعد بن وقاص، لیث بن قیس، عبدالرحمن، جابر خونخوار، تمیم انصاری، سکندر، چنگیز، علاءالدین، انگلیس ها، روسها و در اخیر هم اضافه تر از ۴۶ کشور به رهبری امپریالیسم خون آشام امریکا را؟؟

این کار و عمل از هزاران سال به این طرف یعنی تجاوز بر ما و پامال ساختن هستی و موجودیت من و تو که طبقه محروم هستیم به انواع و اقسام مختلف جریان داشته و دارد و همه این ها باعث شده تا از شناخت واقعی و نیروی تغییر دهنده خود دور شده همه مظالم روا داشته شده را با صبوری تحمل و شاهد باشیم. این تلقینی است که به ما شده ... چرا باید منتظر باشیم تا این به اصطلاح «روشنفکران» به ما چه می گویند؟؟ این رهبران قبایلی ما چه می فرمایند؟؟ و آنهای که به اصطلاح خود را عقل کل می دانند رهنمود شان در باره آزادی من و تو

چیست؟؟

اشتباه بزرگ ما همین است. همیشه راه نجات خود را در اندیشه و باور های دیگران جست و جو نموده ایم؟؟ و هیچ گاه به خود زحمت باز نگری در تاریخ، جست و جو در مقاومت‌های ملی و مردمی خود در مقابل تجاوز اجنبیان را نداده ایم. چرا همیشه منتظر هدایت پیشوا، رهبر، کلان و بزرگ، ملا و مولوی و به اصطلاح «روشنفکران» بود؟؟ چرا چشم امید به آنهایی دوخت که خود شان راسا در خدمت بیگانگان قرار دارند؟؟ مگر من و تو جز توکل به خدا با اتکاء به نیروی معجزه آسای پیر و ولی... و به جای رسیده ها و یا خود را طفیلی اربان قدرت و زور دانستن راهی دیگری هم داریم؟؟

بلی داریم!

هموطن! فقط تشخیص آن کار ما را مشکل ساخته چون من و تو همدیگر خود را تحمل نمی توانیم؟؟ در حالی که هم طبقه و مظلوم واقع شده‌ایم آنچنان در خرافات غوطه ور هستیم که نه تنها قوه تشخیص و راه یابی را گم نموده ایم بلکه به جان همدیگر نیز افتاده‌ایم؟؟ بدا به حال ما؟؟

ما تکیه و امید به آنهایی داریم که لقمه نان به خون آلودهٔ ما را هم از ما می گیرند. قطرات اشک مادران و خواهران ما را با تمسخر نادیده گرفته و بی دوائی و بی نانی و بی سر پناهی من و تو برای آن‌ها شکل طنز را دارد. ایشان می خواهند تا من و تو نیمه شکم به دعا نمودن و شکر گزاری به در بار آن موجودی که او را خدای عالم می دانند مشغول باشیم چون که ما را زنده نگهداشته است؟؟ کجای این وضع فعلی که من و تو داریم میتوانی اسمش را زندگی بگذاری؟؟ آخر این هم شد زندگی؟؟ کجای این زندگی است تا به خاطر آن شکر گزار باشیم؟؟ شاید فکر کنی به خاطر فرزندان رشید و آزادیخواه ما که جز درد وطن و مردم چیزی احساس نمی کردند و در مبارزه با نیروی استیلا گر بهترین ایام جوانی و زندگی خود را در سلول‌های انفرادی زندان گذشتاندند و کشته شدند؟؟ و یا هم رشید قامتان ما که تیر باران و گلوله باران گردیدند؟؟

یا به خاطر این که هیچ کسی از انسان‌های شریف و ملی از تیر رس جانیان و وطن فروشان خلق و پرچم امان نیافت؟؟ و یا فرزندان من و تو که قربانی مرمی های اسلامی "برادران" ما که شریعت محمدی را در کشور به خاک خفتهٔ ما پیاده می کردند و اسلامانه و الله اکبر گویان بر ناموس من و تو تجاوز مقدس می کردند؟؟ و یا هم به خاطر این که بیداد گران بنیاد گرا، وحشی، خونخوار، خدمتگزاران بیگانگان و وحشی های آدم نما، این فرزندان راستین خالد بن ولید و دنباله روان اسلام ناب محمدی، قشر وجدان فرو خته و زن ستیز، وحشی های بی رحم و جانوران اسلامی طالب، اولاد های ما را تیر باران نمودند؟؟ و یا این که فرزندان من و تو را به پارچه های گوشت تبدیل و به هوا پر تاب کردند؟؟ یا اینکه بم های خوشه نی و کشنده کورکورانه نیرو های متجاوز در هر روز به صد ها قربانی از من و تو می گرفت و هنوز هم می گیرد؟؟ و یا اینکه صد ها و هزاران خواهر و دختر من و تو به خود سوزی، به دریا انداختن خود شان و صد ها مثال آن از اثر مظالم جانوران دو پائی به نام "آدم مسلمان" با زندگی جهنمی شان وداع نمودند؟؟ یا به خاطر این که ۵۶ درصد از زن‌های افغان نظر به فقر اقتصادی و محروم از وسایل ابتدائی صحت در وقت زایمان فوت می‌شوند؟؟ یا این که از برکت شمشیر سیاف ها و گلبدین ها و امثالهم به صد ها هزار زن بیوه امروز محتاج تهیهٔ لقمهٔ نانی برای اطفال یتیم خود هستند؟؟ به صد ها هزار طفلی که بنا بر عدم موجودیت نان آور خانواده مجبور به کار های اجباری و شاقه و ترک تحصیل می باشند؟؟ به خاطر همین ها باید شکر گزار بود؟؟ اما بخاطر کدام اینها؟؟؟؟

شاید هم بگوئی به خاطر آن که نا مردان و بی وجدانان اسلامی بر اطفال ۸ تا ۱۲ سالهٔ ما هم رحم نکردند و بر

آن‌ها تجاوز نمودند؟؟ باید صبر کرد و تجاوز را از هر کی بوده و باشد احترام کرد و شکر خدای به جای آورد که من و تو را زنده نگهداشته است؟؟

باید گفت: لعنت بر این زندگی و شرم بر ما اگر چنین تصویری از زندگی داشته باشیم؛ و یا اگر چیزی بیشتر و خویتر در ارتباط تجاوزات بیگانه و نتایج غیر آنچه شمردم که آنهم شمه ای از هزاران است می دانی که ایجاب صبور بودن ما را می کند به من هم بگو ???

ببین هموطن! تحمل تا چه وقت؟؟ و تا کدام اندازه باید صبور بود؟؟ و خاموش نشست؟؟ به شرافقت سوگند که خدا هم بدادت نمی رسد، چنانچه به فریاد شش میلیون یهودی که زنده زنده در کوره‌های آدم سوزی هیتلر فاشیست سوختند گوش نداد و هم اینکه به فریاد ۳۰۰۰۰۰ قربانی آتش فشان زیر بحری اندو نیزیا گوشش شنوا نبود؟؟ همانطوری که به فریادها و ناله های میلیونها فلسطینی که در زیر چکمه های آهنین صهیونیزم خرد و خیر می کردند، نه تنها گوش نداد و به کمک آنها نشناخت بلکه هر دم از نو بر قدرت جنایت پیشگی صهیونیزم افزود به یقین بدان به فریاد و دعای من و تو، به گریه و زاری و عاجزی من و تو هم توجهی نخواهد نمود. باور کن، اگر می کرد من و تو به چنین سرنوشت غم انگیزی دچار نمی شدیم.

امروز خدای من و تو فقط متوجه نگهداری ثروت‌های آدم های مثل ربانی، قانونی، خلیلی، سیاف، پیر صاحب گیلانی افندی، محقق، گلبدین، حقانی، ملا عمر، گلاب زوی، دوستم، علومی، بابہ جان، عطا، اتمر، مجددی، بسم الله، اسماعیل، عبدالله عبدالله، تنی، کبیر رنجبر، پدram، یاسین، حضرت علی و صد ها وطن فروش و خاین به به وطن و مردم آن می باشد. نوبت من و تو و دادرسی به حال ما نمی رسد اگر هم برسد ما را محکوم می کنند چنانچه من و تو محکوم تاریخ خاینانه آنها هستیم؟؟ نه به خاطر بی عرضگی ما؟؟ بلکه به خاطر نشناختن خود ما. نفهمیدن قدرت خود ما؟؟ بلی خدا هم حق به جانب است. تا زمانی که من و تو چنین نشسته و حیثیت تماشا گر را در قبال اعمال آنها می که به جزئی ترین امتیازها به فروش همدیگر، فروش وطن و خاک و نوامیس ملی خود می پر دازند، داریم و حرف و عمل اعتراضی از ما سر نمی زند مستحق همچو پاداشی هم هستیم؟؟؟؟ هموطن!

چقدر صبر می خواهی بکنی؟؟ چقدر قربانی می خواهی بدهی؟؟ مگر چی کم داری از همت، اخلاق، شرافت، آزادیخواهی، وجدان و...؟؟؟؟ تا جایی که من می دانم کمبودی نیست بلکه همه شرایط و خوبی‌ها در من و تو موجود است فقط و فقط خود را نشناختن؟؟ و به نیروی خود اتکاء نداشتن؟؟ عدم تشکل و عمل؟؟ این است که مجبور به تحمل همه مظالم از خود و بیگانگان شده‌ایم. و اگر این وضع و طرز تفکر من و تو ادامه پیدا کند تاریخ شاهد وقایع بدتر و فجیع تر از اینها خواهد بود که به یقین لکھه ننگی بر پیشانی ما آدم‌های بی مسؤولیت در قبال مردم و وطن می باشد و باور داشت که مورد لعن و نفرین نسل های بعدی قرار خواهیم گرفت. بیا هموطن! خود را بشناسیم و به قدرت و نیروی انسانی خود ایمان پیدا کنیم. تحرک و جنبندگی را پیشه سازیم. به شرافقت سوگند گر یه و زاری، عجز و بیچارگی، دست نیاز به زور گویان و زور مندان دراز نمودن بی‌فایده است؟؟

مرا ببخش هموطن! این ملاها و رهبران دینی من و تو را بازیچه ساخته اند؟؟ ما را مرده پرست بار آورده اند؟؟؟؟ تاکی؟؟ تا چه وقت از مرده ها طلب کمک نمائیم؟؟ تا چه وقت زیون و دعا گوی باشیم؟؟ آخر یک چیزی بنویس و بگو؟؟ تا درد من هم تسکین شود. این آتشی است سوزنده که جسم و روانم را به آتش کشیده اگر چیزی جز این که گفته آمد می دانی مرا هم در جر یان بگذار. آخر ما با هم هموطنیم و درد مشترک داریم.

